

زمینه‌های اجتماعی پیدایش اسلام از دیدگاه پطروشفسکی شرق شناس روسی^۱

احمد الصبری السید علی^۲

مجید منهاجی^۳

چکیده

پیدایش اسلام در شبه جزیره عربی معلول عوامل اجتماعی، اقتصادی، جغرافیایی و ... است که از دید مورخان مغفول نمانده است. برخی فقط تکیه بر یکی از عوامل دارند که موجب لغزش در استنتاجات بعدی خود شده‌اند. در این میان شرق شناسان روسی در دوره اقتدار شوروی (۱۹۱۷-۱۹۹۰) بیشتر تکیه بر عوامل اقتصادی-اجتماعی کردند. از جمله این شرق شناسان پطروشفسکی است که در زمینه ایران و اسلام تالیفات ارزشمندی نگاشته است. در این مقاله نویسنده سعی دارد زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی پیدایش اسلام در شبه جزیره العرب را از دیدگاه پطروشفسکی شرق شناس روس را مورد بررسی قرار دهد. از سوی دیگر تلاش می‌کند دیدگاه‌های پطروشفسکی و رویکردهای مارکسیستی ایشان را مورد نقادی قرار دهد.

واژه‌های کلیدی: پیدایش اسلام، پیامبر (ص)، پطروشفسکی، شرق شناس روسی، کتاب اسلام در ایران، عوامل اقتصادی-اجتماعی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. این مقاله برگردان مقاله «الخلفیات الاجتماعیه لنشأ الإسلام عند المستشرق بطروشفسکی» است که در ۲۶ آوریل ۲۰۱۷ در مجموعه بهزاد- به آدرس <http://ahmadsabryali.blogspot.de> به چاپ رسیده است.

۲. پژوهشگر و معاون مرکز حقوق بشر فجر قاهره، کارشناس ارشد تاریخ اسلام دانشگاه اسکندریه مصر

۳. دانشجوی دکتری رشته تاریخ اسلام دانشگاه مذاهب اسلامی تهران mmajid.menhaji@gamil.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۹/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۳/۲۳

مقدمه

زمینه‌های ارتباطی میان مسلمین و مردم روس در آغاز کاملاً بکر و دست نخورده بود. پس از آن شاهد رفت و آمدهای تجاری و فرهنگی طرفین هستیم، که بارزترین آن رحله ابن فضلون به سرزمین بلغار که به گونه ای شامل دید و بازدید از سرزمین‌های روسیه می‌شود. (احمد بن فضلان، ۱۹۶۰، ۱۶۶-۱۴۹)

این سفر یکی از سفرها به سرزمین روسیه به سوی شرق که شامل سفر تجاری یا دینی برای زیارت اماکن مقدسه در فلسطین یا دیگر سرزمین‌هایی که نامشان در کتاب مقدس مثل مصر، ذکر شده است، می‌باشد. (سعدون محمود الساموک، ۲۰۰۳، ۵۱-۴۹-۵۷-۵۸)

حرکت شرق شناس روسی از سال ۱۷۱۶ شروع شد. در این سال تزار پتر کبیر (اول) گروهی را برای یادگیری زبان‌های شرقی به ایران فرستاد. در همان سال آکادمی علوم روسیه ترجمه قرآن کریم به واسطه بوستیکوف انجام شد که این بر اساس ترجمه دیوری شرق شناس فرانسوی بود. (همان، ۷۱) در سال ۱۷۲۷ آکادمی علوم در پترزبورگ مجله کشف سانت را به زبان روسی و آلمانی منتشر کرد، که به طور تخصصی به کشورهای شرقی پرداخته می‌شود. در سال ۱۷۴۲ ضمیمه ای تخصصی تاریخی و جغرافیایی شرقی بنام «ملاحظات» همچنین منتشر شد. (همان، ۶۶-۶۷)

کیر و بایر شرق شناسانی که نقش مهمی در عصر تزار پتر کبیر برعهده داشتند. آن‌ها گروه‌های مستعربین (عرب شناس) و مستشرقین (شرق شناس) روس را تشکیل و نیروهایی به خارج از روسیه و خاورمیانه اعزام کردند. در قرن ۱۹ در زمینه مباحث شرق شناسی پیشرفت و اهتمام جدی صورت گرفت و این به جهت افتتاح گروه آموزش زبان عربی در سال ۱۸۲۳ در وزارت خارجه روسیه بود. از سوی دیگر نسخه‌های خطی عربی در موزه آسیایی مسکو وجود داشت. در سال ۱۸۵۵ گروه زبان عربی در دانشکده زبان‌های شرقی دانشگاه پترزبورگ افتتاح شد. (همان، ۶۷)

شرق شناسی روسی در قرن ۱۹ در سطح وسیعی متأثر از اقدامات دیپلماتیک بود. برخی از دیپلمات‌های روسی تلاش‌های اساسی در زمینه حمایت از شرق شناسی انجام داده‌اند. از مهم‌ترین این تلاش‌ها توسط پیتکوویچ کنسول روس که دو کتاب بنام «لبنان و لبنانی‌ها» و «حواریون» نگاشت. (مسعود ضاهر، ۲۰۱۶) کنستانتین باسیلی فرستاده روسیه در سوریه و لبنان کتاب مشهور خود را بنام «سوریه و فلسطین تحت سلطه عثمانی» را نوشت. (کنستانتین باسیلی، ۱۹۸۹)



در اواخر قرن ۱۹ به جهت تأسیس جمعیت شرقی در سال ۱۸۸۶ در مسکو شاهد پیشرفت در عرصه شرق شناسی هستیم. به گونه ای که به مرکز شرق شناسی و شرق شناسان در راستای تثبیت اقدامات و ایجاد رویکرد تعاملی میان متون شرقی تبدیل شد. «مجله زاییسکا» نقش محوری در پوشش اخبار شرق شناسان در آغاز این قرن بر عهده داشت. (سعدون محمود الساموک، ۲۰۰۳، ۷۴-۷۵)

بدیهی است تلاش‌های پویای شرق شناسی به صورت هماهنگ با انگیزه‌های سیاسی امپراطوری پهناور روسیه بوده است. این یعنی هماهنگی در راستای کاهش میزان نفوذ ترکان عثمانی و اروپاییان و همچنین برای نیل به هدف بزرگ آن‌ها رسیدن به دریای مدیترانه یا همان که در اسناد روسیه مشهور به رسیدن به آب‌های گرم، می‌باشد. از سوی دیگر روس‌ها تلاش‌های بسیاری برای دست یابی به خلیج فارس انجام دادند. از جمله این تلاش‌ها انعقاد پیمان‌هایی با بزرگان و مشایخ این منطقه بود که انگلستان سعی می‌کرد بر آن‌ها مسلط شود. با دستور وزیر امور خارجه، کشتی روسی به خلیج فارس با این توجیه که آنجا همانند دیگر دریاها متعلق به همه ملل می‌باشد، اعزام شد. این مسئله موجب کدورت و رنجش انگلستان شد. از سوی دیگر روس‌ها، پزشکانی برای مداوای بیماری طاعون ساکنان محلی حاشیه خلیج فارس به صورت رایگان ارسال کردند. (همان، ۲۰۰۳، ۹)

پیروزی انقلاب سوسیالیستی اکتبر ۱۹۱۷ توجه به شرق شناسی را کاهش نداد. روشن است که این انقلاب سوسیالیستی به سرزمین‌های شرقی اهتمام ویژه ای داشتند و نه فقط به عوامل سیاسی بلکه به جهت نشر ایدئولوژی سوسیالیستی و حمایت از مردم استعمار زده و انقلاب آن‌ها علیه استعمارگران غربی بود. میلیون‌ها مسلمان در آسیای میانه و قفقاز از شهروندان اتحاد جماهیر شوروی محسوب می‌شوند. حکومت اتحاد جماهیر شوروی در ۲۴ نوامبر به همه رهبران مسلمان در روسیه و شرق به شکل صریح به این نکته اشاره کرده است.

در آغاز این ابلاغ رسمی آمده است: «به همه رهبران مسلمان در روسیه و شرق» سپس در این ابلاغ رسمی ضمن احترام به شعائر و مقدسات مسلمانان و مؤسسات فرهنگی و ملی آن‌ها آمده است: «همه اعتقادات و شعائر و مؤسسات فرهنگی و ملی شما در امان دائم است و تعدی و تجاوز به آن‌ها ممنوع است و بدانید که حقوق شما،

همانند دیگر شهروندان در روسیه تحت حمایتی انقلاب شوروی می‌باشد.» (داف کروش، ۱ آوریل ۲۰۰۷)

ولادیمیر لنین رهبر اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۲۰ دستور افتتاح مرکز شرق شناسی در دانشگاه مسکو را صادر کرد. همچنین جمعیت‌های مختلف شرق شناسی همانند جمعیت شرق شناسی روس در سال ۱۹۲۲ م راه



اندازی شد. همچنین این جمعیت، مجله «شرق جدید» را منتشر کرد. در سال ۱۹۲۸ حلقه عرب شناسان لنینگراد به رهبری کراتشکوفسکی تأسیس شد.

در سال ۱۹۳۰ خاطرات برخی از شرق شناسان چاپ شد. در سال ۱۹۳۴ جمعیت عرب شناسان (مستعربین) در لنینگراد شکل گرفت. (سعدون محمود الساموک، ۲۰۰۳، ۸۰) در این دوره تالیفات درباره میراث اسلامی به ویژه در زمینه نوشته‌های تاریخی در روسیه بسیار متمایز به شمار می‌رفت و این به جهت تأثیر ایدئولوژیکی مارکسیستی و توجه پژوهشگران بر عوامل مادی تاریخی بود. این اهتمام شرق شناسان روس به تاریخ حکام و نخبگان اسلامی نیز تسری پیدا کرد.

توجه به تاریخ اجتماعی و مردم شناسی و تلاش برای رصد زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی در راستای پیدایش جریان‌های سیاسی و طوائف دینی و تحولات انقلابی و مردمی، بیش از توجه به مباحث تاریخ بنیانگذاران و رهبران، بود. ایلیا باولویچ پطروشفسکی از مهم‌ترین شرق شناسان روسی در عصر اتحاد جماهیر شوروی که در پژوهش‌های اسلامی به علل مادی تاریخی و انگیزه‌های اقتصادی و اجتماعی توجه و اهتمام شایانی کرده است.

زندگی نامه پطروشفسکی

ایلیا باولویچ پطروشفسکی (I. P. Petroushevsky) خاورشناس روسی یکی از مستشرقینی شمرده می‌شود که سال‌هاست در ایران شهرت یافته است. او در ۱۸۹۸ در شهر کیف اوکراین متولد شد. در سال ۱۹۲۶ همزمان در دو رشته تاریخ و ادبیات از دانشگاه فارغ‌التحصیل شد. تا سال ۱۹۳۱ به مدت تقریباً دو سال در انستیتوی تاریخ و مردم شناسی باکو آذربایجان شوروی مشغول به کار شد. (السباعی محمد السباعی، ۲۰۰۵، ۲۹؛ قصی طارق، مقاله - ۵ آوریل ۲۰۱۳) سپس در انستیتوی دولتی قفقازشناسی اتحاد جماهیر شوروی، به دلیل مجموع آثارش در رشته تاریخ بود، به درجه دکتری نائل آمد. او از سال ۱۹۲۱ تا ۱۹۳۵ در تفلیس و لنینگراد در شعبه‌های «فرهنگستان علوم شوروی» به پژوهش پرداخت و در سال‌های ۱۹۳۱ لغایت ۱۹۳۶ به مرکز آموزشی قفقاز تابعه مجمع علوم روسیه در شهر تفلیس گرجستان نقل مکان کرد. (طباطبائی، ۱۳۷۵، ۶۹)

پطروشفسکی در سال ۱۹۵۷ در نخستین کنفرانس شرقشناسی شوروی در تاشکند، سمت نمایندگی از سوی کشور خود را داشت. وی مربی بسیاری از شرقشناسان روسی به شمار می‌آید. پطروشفسکی به سال ۱۹۷۷ میلادی رخت از جهان بربست. (همان) در خلال سال‌های جنگ جهانی دوم در دانشگاه دولتی آسیای میانه تاشکند در ازبکستان به تدریس درس «تاریخ کشورهای شرق نزدیک» پرداخت. در اکتبر ۱۹۴۱ به درجه استادی رسید. (السباعی محمد



السباعی، ۲۰۰۵، ۲۹) پایان‌نامه یا رساله دکترای پطروشفسکی «تاریخ مناسبات فنودالی در آذربایجان و ارمنستان از قرن ۱۶ تا ۱۹ میلادی» نگاشت. (همان)

آثار پطروشفسکی

پطروشفسکی درباره اسلام و ایران تالیفات متعددی انجام داده است.

۱) کتاب اسلام در ایران-Islam virane v VII-XVII - ترجمه فارسی: کریم کشاورز

این کتاب درسنامه تاریخ اسلام و ایران تا پایان قرن نهم پطروشفسکی برای دانشجویان تاریخ بوده است. مهم‌ترین موضوعات آن، پیدایش اسلام، ورود اسلام به ایران، قرآن، مصادر حقوق اسلامی، نگارش فقه، درگیری‌های فرق، کلام، اسماعیلیه، قرامطه، عرفان و حضور پیروزمندانه شیعه در ایران است. در این اثر کاستی‌هایی در موارد فقهی و حقوقی و جایگاه شیعیان به چشم می‌خورد که در ترجمه فارسی و با حاشیه محمدرضا حکیمی به توضیح و تبیین آن پرداخته شده است. این کتاب علاوه بر ذکر رویدادهای تاریخی به بیان پاره‌ای از عقاید و احکام اسلامی نیز می‌پردازد. پطروشفسکی در این کتاب از حیث تحلیل رویدادها و گزارش آثار و نقل آراء اسلامی به اشتباهات فراوانی درافتاده و اغلاط واضحی در کتابش دیده می‌شود. (طباطبائی، ۱۳۷۵، ۷۰)

۲) کتاب تاریخ اسلام - ترجمه فارسی: کریم کشاورز،

پطروشفسکی آن را با همکاری چند تن از نویسندگان روسی نگاشته و هریک از ایشان، نوشتن بخشی از کتاب را به عهده گرفته‌اند. پطروشفسکی در این تاریخ‌نامه حوادث قرن چهارم تا هفتم هجری و نیز تاریخ تیموریان و صفویان را به نگارش درآورده است. روشن است براساس تالیفات پطروشفسکی، توجه و اهتمام ایشان به ایران و میراث اجتماعی و فکری بود. (همان؛ السباعی محمد السباعی، ۲۰۰۵، ۳۲-۳۳)

۳) کتاب کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول - ترجمه فارسی: کریم کشاورز

پطروشفسکی در آغاز این کتاب از منابع و مآخذ خود (که اغلب فارسی و عربی‌اند) یاد می‌کند و سپس شرحی از یورش مغولان می‌آورد و از کشتار و ویرانی‌های وسیع آنان سخن می‌گوید، آنگاه نوبت به توضیح مرحله بازسازی می‌رسد (که به طور عمده از روزگار غازان‌خان مغول شروع شد و او که آیین اسلام را پذیرفته بود، برخلاف اسلافش به آبادانی و توسعه کشاورزی دستور داد). سپس پطروشفسکی از اقسام زمینداری و بهره‌گیری از اراضی و مالیات‌های زمین در آن دوره بحث می‌کند و سرانجام کتابش را با شرح قیام کشاورزان (سربداران) برای کسب آزادی



به پایان می‌رساند. کتاب پطروشفسکی با تکیه بر منابع و مدارک فراوانی تهیه شده و می‌توان از آن بهره گرفت. هرچند از داوری‌های نادرست نیز خالی نیست.. (طباطبائی، ۱۳۷۵، ۷۰؛ السباعی محمد السباعی، ۲۰۰۵، ۳۳)

۴) کتاب نهضت سربداران خراسان D vizhenie serbedarov v khorasane-vijenie cerbedarov

v khrassane - ترجمه فارسی: کریم کشاورز

کتاب مزبور، ابتدا در یکی از مجلات روسی که از انتشارات فرهنگستان علوم شوروی به شمار می‌رفت (در سال ۱۹۵۶) به چاپ رسید. موضوع کتاب همان بحثی است که پطروشفسکی در پایان کتاب «کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول» آورده و در حقیقت آن فصل را به صورت مقاله مستقلی بازگو نموده است. پطروشفسکی با معیارها و ملاک‌های مادی - چنانکه آثارش سرشار از این ضوابطاند - به بررسی قیام سربداران خراسان پرداخته و تحلیل‌هایی دارد که در آن‌ها از چهارچوب مارکسیسم گامی فراتر نمی‌نهد.

۵) مقاله پیرامون تاریخ بردگی در خلافت تازیان - ترجمه فارسی: سیروس ایزدی

پطروشفسکی در این مقاله، دیدگاه یکی از پژوهشگران روسیه به نام ل. ای. نادرزاده را نقد می‌کند. نادرزاده اعلام کرده بود که: «رشد بردگی در میان تازیان پیش از اسلام و در روزگار خلافت، سخت ناچیز بوده و تازیان در تاخت و تاز پیروزمندانه خود، به گسترش بردگی دامن نزدند». و پطروشفسکی نظر او را نمی‌پسندد و ما در کتاب «بردگی از دیدگاه اسلام» به پطروشفسکی پاسخ داده‌ایم و شبهات وی و دیگر مخالفان اسلام را در این باره دفع کرده‌ایم. (طباطبائی، ۱۳۷۵، ۷۱ - به نقل از سیروس ایزدی، مقاله اول، ۱۱)

۶) مقاله دولت در عهد ایلخانان و مقاله ایرانشناسی در شوروی - ترجمه فارسی: یعقوب آژند

پطروشفسکی در مقاله نخست، اقدامات رشید الدین فضل‌الله، وزیر بزرگ غازان خان را در برقراری عدالت می‌ستاید و پافشاری‌های وی را در «رعایت احوال رعیت» از خلال کارها و نامه‌هایش به گونه مؤثری نشان می‌دهد. ولی در نهایت از نگرش مادی خود دست برنمی‌دارد و همه تلاش‌های دادگرانه رشیدالدین فضل‌الله را «نوعی دوراندیشی فئودالی و سیاسی» می‌شمرد. در مقاله دوم، پطروشفسکی از پژوهشگرانی یاد می‌کند که در روسیه درباره تاریخ و زبان ایرانی مطالعه کرده یا می‌کنند و آثار و کتاب‌های ایشان را نام می‌برد. (طباطبائی، ۱۳۷۵، ۷۲)

۷) دیباچه پطروشفسکی بر کتاب «ترکمنستان نامه» اثر بارتولد (Barthold) - خاورشناس روسی -

ترجمه فارسی: کریم کشاورز



اهمیت کتاب اسلام در ایران

اهتمام پطروشفسکی به عوامل اقتصادی و اجتماعی و حرکت‌های مردمی اهتمام ویژه داشت که از سوی غالب پژوهشگران غیرمارکسیستی مورد توجه نبود. او به جهت سکونت در مناطقی چون آذربایجان و گرجستان و ازبکستان و کنکاش درباره تاریخیشان، آثاری برجسته در این زمینه نگاشت. علاوه بر این دست‌یابی به اسناد تاریخی که روشنگر دوره‌های تاریک تاریخ ایران همچون عصر مغولی و دوره‌های پرچالش آن عصر را توانسته با وضوح بیشتری بر روی پژوهشگران راهگشا باشد.

پیدایش اسلام از دیدگاه پطروشفسکی

پطروشفسکی شرق‌شناس روس زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی پیدایش اسلام در شبه جزیره العرب را مورد بررسی قرار می‌دهد.

در مقدمه کتاب «اسلام در ایران» می‌نویسد: «پیدایش اسلام به نظام اجتماعی طبقاتی جامعه بستگی دارد و آغاز این نهضت اجتماعی و سیاسی گره در عرب شمال جزیره العرب دارد. در نهایت اسلام به مثابه عقیده ای جنبشی تبدیل به دولت عربی دارای قوی نظامی و سیاسی که مرزهای شبه جزیره را درنوردید، شد.» (پطروشفسکی، ۴۱)

پطروشفسکی تاکید می‌کند، علی‌رغم وضعیت و نظام اجتماعی عرب شمال جزیره العرب قبل از اسلام دارای سازوکار نبود و مطالعاتی در خور شان در این زمینه انجام نشده است. آنچه مسلم است، از آغاز قرن ۷ م نظام پدرسالاری و قبیله ای در نواحی شمال جزیره العرب رو به ضعف و اضمحلال رفت و جامعه ای طبقاتی تشکیل شد.

این دیدگاه اشاره به دو نظریه پژوهشگران روس دارد:

اول: در منطقه حجاز و نواحی مکه و مدینه جامعه برده داری استقرار داشت. این منطقه راه تجاری در جزیره العرب از قرن ۶ و اوایل قرن ۷ میلادی به شمار می‌رود. روش اساسی گذران زندگی در آنجا علی‌رغم طی کردن سیر تکوین طبیعی و مرحله تکامل، بر چوپانی و کوچ نشینی در بیابان‌ها استوار بود و نظام بدوی قبیله ای و گروهی به صورت تدریجی و اغلب به صورت کاملاً آهسته از بین رفت.

از دیگر سو ثروتمندانی پدیدار شدند که در قافله‌های تجاری مشارکت کردند و صاحبان اراضی و چهارپایان و بردگانی شدند. در مقابل گروه نیازمندان و بیچارگان که بر آزادی خود پافشاری می‌کردند. (همان، ۴۱-۴۲) در



راستای تکمیل این دیدگاه، عوامل پیدایش اسلام عبارت‌اند از: ضعف و از بین رفتن نظام پدرسالاری و گروهی و قبیله‌ای و اسلوبی جدید زندگی با معیار داشتن بردگان، در حجاز تشکیل شد. (همان، ۴۳)

دوم: می‌بینیم که جامعه پدرسالار و قبیله‌ای در شمال و جنوب جزیره العرب به سرعت رو به اضمحلال و نابودی رفت. این سیر به سبب تکوین و تکامل نظام اقطاعی بود که بر سایر روابط امور زندگی روزمره تفوق و تسلط یافت. قبل از بروز فتوحات بزرگ عربی در قرن هفتم میلادی می‌باشد. بنابراین دیدگاه، اسلام در آغاز دین بزرگان اقطاع و زمینداران بود و این باعث تکوین و پیدایش جامعه عربی شد. استدلال یکی از مویدین این نظریه این است که برده داری در جزیره العرب قبل از اسلام به صورت محدود بود. (همان، ۴۳-۴۴)

پطروشفسکی دیدگاه دوم را رد و دیدگاه اول را می‌پذیرد و اشاره می‌کند که نظام اجتماعی جزیره العرب قبل از اسلام دارای پیچیدگی بسیاری بود. این دو دیدگاه را باید بیشتر مورد تحلیل قرار داد و راه حل نهایی برای این مشکل مهم در آینده پی‌جویی کرد.

بدیهی است دیدگاه اول درست‌تر به نظر می‌رسد که متعلق به عرب شمال و ناممکن است روش اقطاعی در این مرحله وجود داشته باشد. البته مالکیت زراعی در برخی واحه‌ها مثل طائف و یثرب و ... وجود داشت. (جواد علی، ۲۰۱۱، ۱/ ۱۲۹-۱۳۲-۱۳۴) این غالب معشیت و زندگی بیابانی شبه جزیره است. (همان، ۸۷/۱-۹۷) پیشرفت جامعه پدرسالار [پدرشاهی] و قبیله‌ای کوچ‌رو به اقطاع و یکجانشین با تسری و انتشار و توسعه این روش بر سایر مناطق شبه جزیره ناممکن می‌باشد و این به شکل عمومی به جهت مساحت کم اراضی مزروعی و همچنین حجم کم مالکیت زراعی است.

رقیق (برده داری) در جزیره العرب قبل از اسلام به صورت محدود بود و این بنابر ادعای طی کردن سیر تطوری اقطاع داری ناممکن و نادرست به نظر می‌رسد. زیرا قریش در همه امور اقتصادی و به ویژه استخراج طلا بر آن‌ها اتکا می‌کردند. (پاتریشا کرونه، ۲۰۰۵، ۱۶۸-۱۶۹؛ البلاذری، ۱۹۹۶، ۵۴)

در این زمینه مجموعه‌ای جنگاور از عشایر بدوی عربی که در تاریخ عرب مشهور به «احباش» شدند، تشکیل شد. (جواد علی، ۱۹۹۳، ۲۰۱۲/۴) متون اسلامی به نقش مهم احباش در جنگ‌های قریش با پیامبر (ص) اشاره می‌کنند. ابن اثیر درباره نقش پر حجم احباش در جنگ احد می‌نویسد: «و اجتمعت قریش باحبابیها و من اطاعها من قبائل کنانه و تهامه.» (ابن اثیر، ۲۰۱۳، ۴۰/۲)



همچنین ابن اثیر به نقش کلیدی بردگان مکه در جنگ احد اشاره می‌کند. در وصف جایگاه برده حبشی وحشی بن حرب غلام جبیر بن مطعم که از وی خواسته شده بود که در جنگ حضور داشته باشد و تلاش کند که عموی پیامبر (ص) را به قتل رساند. «اخرج مع الناس، فان قتلت عم محمد بعمی طعیمه بن عدی فانت عتیق» (همان) در توصیف جایگاه ابو عامر اوسی راهب که به مکینان در جنگ علیه پیامبر (ص) پیوست، می‌نویسد: «فلما التقی الناس باحد کان ابو عامر اول من لقی فی الاحابیش و عبدان اهل مکه.» (همان)

تغییر و تحول نظام اجتماعی

پطروشفسکی تأکید می‌کند: «پیدایش و ظهور اسلام چیزی جز انعکاس جریان رو به انحطاط و تغییر و تحول نظام پدرسالاری و قبیله بدوی در مرحله آغازین ظهور و پیدایش نظام طبقاتی عرب شمال نیست. قبل از هر چیزی ماهیت جوهری تعالیم اسلام به شکل جدی در مواجهه و ضدیت نظام رو به نابودی جاهلیت و مباحث اخلاقی و عقاید آن‌ها و هرگونه پرستش بتان که در میان عرب‌ها سیادت و برتری داشت، بود» (پطروشفسکی، ۴۴)

پطروشفسکی تلاش می‌کند تصویری واقع‌گرایانه از اوضاع اقتصادی و اجتماعی در شبه جزیره قبل از اسلام را ترسیم کند. ایشان به تقسیم بندی عرب به دو مجموعه یعنی یمنی جنوبی و مضری شمالی، اشاره می‌کند. هر کدام از آنها به قبایل و عشایر مختلف و گوناگون تقسیم می‌شوند. کشاورزی در میان قبایل جنوبی در یمن گسترش پیدا کرد. فرزندان قبایل شمالی جز اعراب بیابانی که کوچ رو بودند و به طور عمومی به چوپانی و پرورش شتر و در صنعت تجارت و جنگ اهمیت فوق‌العاده داشت. همچنین به پرورش گوسفند و بز و مقدار کمی اسب تندر رو پرداختند. در برخی از ادوار به کاشت جو و نخل و درختان مثمر در برخی واحه‌ها و در کنار چشمه‌سارها مشغول بودند.

مالکیت‌ها و اقدامات تجاری در آغاز بعثت

پطروشفسکی به دو نوع مالکیت که در میان عرب شمال وجود داشت، اشاره می‌کند. مراتع که تحت مالکیت عشایر و حیوانات اهلی و برده و زمین‌های زراعی در مالکیت اشخاص بود. او به وجود تضاد در میان طبقات ثروتمندان قبایل و حتی عشایر زیر مجموعه قبیله واحد تصریح می‌کند. (همان، ۴۵) پطروشفسکی تصویری کوتاه و بسیار جالب از اوضاع اقتصادی و اجتماعی و دینی در مکه و یثرب در عصر نبوی (ص) را ارائه می‌دهد. ایشان به وضعیت دینی عرب در قبل از اسلام و وجود نوعی تقدس دینی به جهت وجود کعبه و حضور حجاج از انحاء و



اطراف جزیره العرب در ماه‌های زمستانی برای زیارت کعبه اشاره می‌کند. در همان بازه زمانی راه اندازی بازارهایی در خلال زیارت کعبه که فرآورده‌های دامی از جمله پوست و پشم و حیوانات اهلی، غله و حبوبات و خرما و صنایع تولیدی (صنایع خرده پا و دستی) را عرضه می‌کردند.

پطروشفسکی به وضعیت مکه اشاره می‌کند که همانند بازار مبادلات کالا و جایی برای کاروان‌های تجاری از سوریه به طرف یمن بود. در همان دوره بر وجود فعالیت‌های اقتصادی دیگری از سوی مکیان همچون فعالیت‌های فنی و صید حیوانات و تجارت آن‌ها تاکید می‌کند. علاوه بر این مکیان مالک اراضی خصبه و بارور در طائف که در نزدیک مکه بودند که مسکن قبیله ثقیف بود. (همان، ۴۶-۴۷؛ جواد علی، ۱۹۹۳، ۳۲۶/۱-۳۲۹)

پطروشفسکی می‌نویسد: «اقدامات تجاری مکیان و عملیات ربوی و ظهور طبقه به غایت ثروتمند بنی امیه داخل قبیله از نتایج عملکرد آن‌ها به شمار می‌رفت. از سوی دیگر خانواده‌های فقیر مثل بنی هاشم پدیدار شد. (پطروشفسکی، ۴۷-۴۸) با وجود همراهی و هم‌رایی با دیدگاه پطروشفسکی در این رخداد در تغییر و تحول بسیار بزرگ قبل از اسلام، اما ارائه تصویری از خاندان‌های ثروتمندی چون بنی امیه و خاندان‌های فقیر همچون بنی هاشم دور از منطق است. به ویژه سیطره هاشمیان بر امور اجتماعی از جمله سقایت حجاج و اطعام آن‌ها که دارایشان و جایگاه اجتماعی بیشتری بود و لازمه این امر داشتن ثروت برای ادای آن امور اجتماعی است. (یعقوبی، ۱۸۸۳، ۸/۲-۱۲) امام علی (علیه السلام) به زعامت پدرش و هاشمیان همانند عبدالمطلب بن هاشم جد پیامبر (ص) به استثناء ابی طالب هیچ‌گاه نیازمند نبودند، اشاره می‌کند: «أبی ساد فقیراً، و ما ساد فقیراً قبله» (همان، ۱۳/۲)

براساس مستندات تاریخی هنگامی که ابوطالب از اینکه نتوانست امور واگذاری شده به ایشان همانند رفادت و سقایت حجاج را انجام دهد، نگران بود. به این جهت در مقابل پرداخت دیون و بدهی‌هایش توسط برادرش عباس، امور اجتماعی را به او واگذار کرد. (بلاذری، ۱۹۹۶، ۶۴/۱) اما همانگونه که پطروشفسکی اشاره می‌کند، شهر مدینه یا یشرب واحه ای زراعتی مشتمل بر پنج قبیله، دو قبیله اوس و خزرج بت پرست و سه قبیله دیگر یهودیان بود.

پطروشفسکی معتقد است که یهودیان جزیره العرب و به ویژه یهودیان یشرب، در دوره حکومت رومی‌ها و وقوع جنگ‌های میان طرفین و تخریب اورشلیم از فلسطین به شبه جزیره کوچ کردند. (یوسف فلاوی یا تیتوس فلاویوس یوسیفوس، ۳۱۲-۳۱۳) این دیدگاه اشتباه به نظر می‌رسد. این مهاجرین و کوچ یهودیان در گذشته‌های دور واقع نشده است. پراکندگی یهودیان در میان قبایل عربی شمالی از طریق تجارت که مسئله رایج و شایع در میان آن‌ها در فلسطین و حجاز بوده، صورت گرفته است. یهودیان روابط و تعاملاتی با قبایل جزیره العرب داشتند. به ویژه قبیله



جذام در منطقه حسمی و مدین شمال حجاز ساکن بودند. به تصریح روایات تلمود، برخی از عرب ها به نزد احبار یهود جهت پرسش می‌رفتند.

سوزومین مورخ مسیحی تصریح می‌کند، یهودیان، عرب ها را از نسل اسماعیل و از نسل مشترک ابراهیم می‌دانستند و آن‌ها از خویشاوندان خود می‌پنداشتند. این دیدگاه را یعقوبی مورخ درباره نسب یهود مدینه نقل کرده است. (جواد علی، ۱۹۹۳، ۱۶۷/۱-۱۶۸-۵۱۳/۶-۵۱۴) یهودیان در میان قبایل حمیر و کنانه و بنی حارث بن کعب و کنده و غسان پراکنده شدند. برخی عشایر یهود در کنار دو قبیله اوس و خزرج ساکن بودند. (همان، ۵۱۴/۶) از دیدگاه پطروشفسکی انحطاط جامعه کوچ رو و عشایری و پیدایش مالکیت خصوصی اراضی و ظهور طبقه ثروتمند و آغاز درگیری شدید میان بزرگان قبایل و زمینداران، ریشه در جامعه شمال جزیره العرب دارد. همچنین این امر موجب ظهور جامعه طبقاتی شد و از این رو تشکیل دولتی متحد و واحد در جزیره العرب برای تسلط بر امور و از میان برداشتن این مشکلات ضروری بود. (پطروشفسکی، ۴۹)

پطروشفسکی در راستای بررسی اوضاع اجتماعی و اقتصادی مکه، تحلیلی از زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی که منجر به فروپاشی نظام اجتماعی در شمال شبه جزیره و سرانجام ظهور اسلام و انتشار آن شد، را ارائه می‌دهد. از سوی دیگر او به نقش اساسی تحولات سیاسی در جنوب جزیره العرب و تصرف یمن توسط ایرانیان اشاره و به راه‌های تجاری مسیر کاروان رو از یمن به سوی سوریه و کرانه غربی جزیره العرب تصریح می‌کند.

شهرهای بیزانس، سوریه، فلسطین و مصر و شهرهای در این مسیر تجاری و منزلگاه‌های موقت جهت استراحت کاروان‌های تجاری رهسپار به سوی حبشه و بلاد هند جملگی از یمن عبور می‌کرد و یمن را به ولایتی ثروتمند تبدیل کرده بود. پطروشفسکی می‌نویسد: «پس از استیلای حکومت ایرانی ساسانی و سیطره کامل بر همه شوؤن یمن، تلاش‌های بسیاری برای دست یابی به تجارت و کالاهای بلاد هند به سوی بیزانس و اجازه عبور تجارت ترانزیت از طریق یمن را نمی‌دانند. بنابراین عبور کاروان‌های تجاری از این مسیر کاهش یافت. این وضعیت و سپس بروز اختلافات و درگیری‌های درون قبایل عربی موجب ظهور مشکلات اجتماعی و اقتصادی در جزیره العرب شد.» (همان، ۴۵-۴۶)

نقد دیدگاه پطروشفسکی

از دیدگاه پطروشفسکی انگیزه‌های پیامبر (ص) در راستای تحقق نهضت اسلامی - اجتماعی خود، ایجاد تعادل میان خاندان‌های قریشی ثروتمند و نیازمند بود. «قبیله بنی هاشم از خاندان‌های نیازمند به شمار می‌رفت. پیامبر



(ص) که از میان آن‌ها برخاست. حامل رسالت دین اسلامی و در راستای تحقق تعادل مالی درون خاندان بود.» (همان، ۴۷) و در فقره دیگر می‌آورد: «اسلام به عنوان دین جهانی جدید در صورتی توانایی ظهور و استقرار دارد که مقدمات و زمینه‌های اجتماعی و اهداف و آمال پیش گفته را محقق سازد.» (همان، ۵۷)

با جمله اخیر پطروشفسکی اتفاق نظر وجود دارد. اما دیدگاه ایشان درباره انگیزه‌های پیامبر (ص) در راستای راه اندازی قیام و نهضت دینی و تحقق تعادل مالی درون خاندان قریشی نادرست است و به عدم صحت این تصور پطروشفسکی از فقر و نیازمندی بنی هاشم اشاره شده است. آن‌ها بر قریش سیادت داشتند، همانگونه که برخی از بنی امیه تمکن مالی نداشتند. همچون مغیره بن ابی العاص پینه دوز، حکم بن ابی العاص جد خلفای مروانی بنی امیه به شغل آرایشگری مشغول بودند. بدیهی است که آن‌ها نیازمند نبودند، بلکه از معدود افراد بنی امیه که ثروتمند به شمار نمی‌رفتند. (ابن الکلبی، ۲۰۰۹، ۵۰-۵۴)

در واقع دیدگاه پطروشفسکی با دیدگاه صریح ایشان درباره ماهیت جوهری تعالیم اسلام و آموزه‌هایش در تضاد با نظام اجتماعی و اخلاقیات و عقاید آن‌ها که با محوریت پرستش بتان و سیادت آن‌ها بر عرب بود، می‌باشد. اگر اینگونه بود یعنی دادن مشروعیت به این نظام اجتماعی است. هنگامی که دین اسلام در قالب ایدئولوژیکی و دینی ظاهر شد، به همین جهت جوانب و زوایای مختلف اجتماعی انقلاب و عقاید توحیدی و یکتاپرستی مورد بررسی قرار داده و صرف تلاش برای اصلاح نبوده است.

جامعه عربی نیازمند نظام اجتماعی جدید بود. اما اقتضای آن بروز دیانتی جدید نبود. در این صورت پذیرش تعالیم مبشرین مسیحی در میان قبایل عرب همچون تغلب و طئ و مدحج و بهراء و سلیح و تنوخ و لخم و غسان و عشایری از بنی تمیم و قضاعه می‌توانست کافی باشد. (جواد علی، ۱۹۹۳، ۵۹۰/۶)

از سوی دیگر پذیرش دعوت‌های توحیدی که در میان عرب قبل از اسلام همانند دعوت‌های حنفاء یا دیانت الرحمن که در یمن ظهور کرد، همچنین برای جامعه عرب کافی نبود (همان، ۴۵۳/۶) و دین یهود و مسیحیت همین گونه است. (همان، ۶۹۳/۶-۶۹۴) آن‌ها روحیه پیروی از جریان قوی در راستای بهره برداری برای ایجاد وحدت سیاسی تحت زعامت و رهبری یکی از قبایل بزرگ، داشتند. می‌بینیم که این دیانات نتوانستند بر همه شوؤن عشایری که در همان جامعه از هم گسیخته در تعامل بود، غلبه داشته باشد. جریان حنفیه و دیانت الرحمن در یمن صرفاً اعتراض نخبگان فرهنگی جامعه عربی که در زمره فرزندان طبقه اشرافی عربی و فرزندان تجار خرده پا به شمار می‌آیند. آن‌ها به جهت ایجاد و برقراری ارتباط با مسیحیان و یهودیان در شام و یمن فرصتی برای دست یابی



بر این عقاید پیدا کردند. اما این جریانات مطالبات عمومی مردمی را به دلیل فقدان مشروعیت اجتماعی محقق سازد. بنابراین تلاش‌های آن‌ها صرفاً به اصلاح اجتماعی و با هدف تغییر در وضع گذشته بود. (جواد علی، ۱۹۹۳، ۴۵۸/۶)

علی رغم همراهی با دیدگاه پطروشفسکی در عبارت «اسلام دین جهانی جدید بدون استقرار مقدمات اجتماعی و اهداف و آمال ممکن نیست.» بنابراین انگیزه‌های پیامبر (ص) در راستای موفقیت طبقه اشرافی قریش نبود، وگرنه تلاش‌های اصلاحی ایشان و انتشار اسلام محقق نمی‌شد.

نقد دیدگاه پطروشفسکی درباره رویکرد و اقدامات پیامبر (ص)

دیدگاه پطروشفسکی درباره رویکرد و اقدامات پیامبر (ص) درباره جامعه طبقاتی در قریش نادرست است. پس از گذشت پنج سال از نزول وحی و آغازین سالهای دعوت، شمار پیروان و مومنان به پیامبر (ص) در مکه به حدود صد و پنجاه نفر رسید. در میان آن‌ها بسیاری از نیازمندان و بردگان وجود داشت. بنابراین نمی‌توان نتیجه گرفت که آن‌ها آمال و آرزوهایشان را در پیامبر (ص) می‌دیدند. (پطروشفسکی، ۶۱)

پطروشفسکی این دیدگاه را رد می‌کند: «محمد (ص) از سویی به وسیله وحی آن‌ها را از کم فروشی پرهیز می‌کند و تجار بزرگ مکه را از این کار و از تکاثر و جمع کردن اموال نهی می‌کند. تلاش کرد حیات و زندگی دیگری همراه با تعالیم الهی را به آن ارائه بدهد.» پطروشفسکی بر این عبارت تعلیقه می‌زند: «در این آموزه‌ها، نکته جدیدی نیست و در تورات و انجیل و کتب پیامبران گذشته وجود داشت. اما ثروتی که از راه حلال و صاحب آن در همان زمان به ادای واجبات دینی خود می‌پرداخت. پیامبر (ص) کسب این مال و ثروت را در مکه و سپس مدینه در پیش گرفت. پیامبر (ص) به طور مطلق مالکیت خصوصی و برده داری و اسیر را انکار نکردند. به ویژه اسیران جنگ که آن‌ها را مشروع داشت. اما پیامبر (ص) به حسن رفتار با بردگان و اسیران توصیه می‌کردند. (همان، ۶۲)

نقد اساسی که متوجه پطروشفسکی می‌شود، توجه و تکیه ایشان در راستای شناخت قرون آغازین اسلام و شعائر آن‌ها صرفاً بر مصادر اهل سنت می‌باشد و بر منابع دیگر فرق اطلاع و اشرافی ندارد. از سوی دیگر به داده‌های کم تاریخی مراجعه شده است که می‌توانست تصور کاملی ارائه دهد. علی رغم اینکه مصالح و مطالب و نگرش‌های طبقات و جریانات اجتماعی فرق اسلامی را باید مورد بررسی و درک قرار داد.

شیعه روایات متعددی از پیامبر (ص) مبنی بر نفی برده داری و شغل نخاسه (تجارت برده) را نقل می‌کند. مهم‌ترین این روایات، منقوله شیخ نراقی از امام صادق (علیه السلام) در مستند الشیعه است. «ان رسول الله (ص) قال: شر



الناس من یبیع الناس» (النراقی، ۲۰۰۸، ۵۵/۱۴) روایت دیگری با همین مضمون از امام باقر (علیه السلام) نقل شده است: «ان رسول الله (ص) قال: شر الناس من باع الناس» (مازندرانی، ۲۰۰، ۴۴۷/۱۱) مجموعه این روایات اشاره به نهی پیامبر (ص) از برده داری و به بیانی دیگر می‌توان گفت تعاطف و رفتار حسنه در دعوت اسلامی با بردگان به وضوح دیده می‌شود. مجموعه روایات دیگر اشاره به موقف عملی پیامبر (ص) در زمینه برده داری دارد. اسلام برده ناشی از دزدیده شدن و القرصنه و فروش فرزندان را حرام می‌داند.

در این زمینه آیات قرآن اشاره‌ای به برده گرفتن اسیران نمی‌کند. اما اشاره به آزادی آن‌ها در مقابل فدیة می‌کند. { حَتَّىٰ إِذَا أَتَّخْتُمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَتَأَقَ فِيمَا مَنَّا بَعْدُ وَإِمَا فِدَاءً حَتَّىٰ تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا } (محمد / ۴) (ماجد الربیعی، ۲۰۱۵، ۸۲-۸۳) علاوه بر این شریعت قرآنی تشویق به آزادی برده در راه تقرب به خدا و یا کفاره برخی گناهان می‌کند. { فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ * وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ * فَكُ رَقَبَةً } (البلد / ۱۱-۱۳) همچنین اختصاص مقداری از زکات برای آزادی برده در همین راستا است. (همان، ۸۴)

پطروشفسکی که متون اسلامی به کینه و دشمنی صاحبان ثروت در مکه نسبت به پیامبر (ص) را مورد تاکید قرار می‌دهد (پطروشفسکی، ۶۳) و این به جهت اکثریت و ازدیاد مؤمنین در اوایل ظهور اسلام است. علاوه بر این بردگان و نیازمندان و صنعتگران و طبقه تجار خرده پا را همچنین جذب کرد. آن‌ها از سویی دارای ثروت زیاد نبودند و از سوی دیگر آن‌ها و یا قبیله‌شان جایگاه اجتماعی مهم در مکه نداشتند. (احمد صبری، ۲۰۰۸، ۳۳)

متون اسلامی به انگیزه‌های نیازمندان و بردگان را به شکل زیادی اشاره می‌کند. همانگونه که اشاره شد که پیامبر (ص) دعوت را در میان فرزندان طبقه تجاری خرده پا آغاز کردند که پشتیبان مالی دعوت اسلامی در آغازین مرحله نشر آن بودند. پیامبر (ص) در انعقاد پیمان‌های پس از هجرت این مسئله را لاحتظ کردند. انعقاد پیمان با باغدران خرده پا به جهت اینکه نیازمندان و بردگان مدینه در مقابل ملاکان هم پیمان با قبایل سه گانه یهود بود. این رویکرد اتخاذی پیامبر (ص) نسبت به دو طبقه تجار خرده پا در مکه و طبقه زمین داران خرده پا در یشرب از جهت پشتیبانی اقتصادی دعوت اسلامی ایشان و از سویی در مواجهه و مقابله با امکانات بی شمار اقتصادی طبقه اشرافی قبیله می‌باشد. دو مسئله مالکیت خصوصی و کسب مال حلال در اسلام مورد تاکید قرار گرفت و این به جهت جلوگیری از تراکم بالا و انباشت ثروت بود. براساس آیات قرآن و تعالیم اسلام، انسان را مالک اساسی زمین و ثروت نیست و هر دو از آن خداست.

{ أَلَمْ تَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ } (البقرة/۱۰۷)



{ وَ تَبَارَكَ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا } (الزخرف/۸۵)
 { وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ } (المائدة/۱۷)
 { لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَى } (طه/۶)
 { هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا } (البقرة/۲۹)

براساس این آیات می‌توان این گونه استنباط کرد که اصل اساسی اسلامی مالکیت خصوصی اراضی زراعی و یا ثروت‌های معدنی شکل عمومی را نفی می‌کند.

براساس روایات پیش گفته، نگاه و دیدگاه پیامبر (ص) درباره مالکیت خصوصی هر چند در مقیاس کوچک مثبت بود. این به جهت جلوگیری از ازدیاد و انباشت ثروت و مالکیت در آغازین مرحله دعوت اسلامی شود. در مقابل پیامبر (ص) جهت اجرای این سیاست نفی مالکیت خصوصی، سیاست‌های مختلفی از جمله قرار دادن «حمیات» که مالکیت عمومی تحت سیطره دولت را بنیانگذاری کرد. پیامبر (ص) فرمود: «لا حمی إلا لله و لرسوله» و «لا یمنع الماء والکلا والنار» و «عن عائشة أنها قالت یا رسول الله ما الشيء الذي لا یحل منعه؟ قال: الملح و الماء و النار» (شوکانی، ۱۹۹۳، ۳۶۵-۳۶۸-۳۷۰؛ جواد علی، ۱۹۹۳، ۱۵۴/۷) به وضوح می‌توان گفت هدف از این اقدامات سیطره بر شوون جامعه قبیله ای و نفوذ از طریق حمیات بود.

نقطه آغازین درگیری پیامبر (ص) و دو قبیله یهودی بنی نضیر و بنی قریظه به جهت درگیری اجتماعی با باغداران در مدینه که اکثریت تحت سیطره یهودیان بودند، می‌باشد. پیامبر (ص) هیچ گاه زمین‌های مصادره شده از سوی یهودیان را به مالکیت خصوصی افراد بر حسب نص قرآنی در نیاورد. «مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ» (الحشر/۷) (فضل الله، ۲۰۰۲، ۵۱۳/۱-۵۱۷؛ فضل الله، ۱۹۸۸، ۳۹۷/۱-۴۹۸) باتوجه به برخی روایات، پیامبر (ص) برخی اقطاعات از اراضی را به برخی صحابه و غیره واگذار کرده است. با وجود ضعف سند و اضطراب و تعارض این روایات با نص قرآنی اشاره آن‌ها ضروری است. روشن است در آن دوره برای کاهش اقتدار خاندان‌های اشرافی نسبت به این اقطاع است. (شوکانی، ۱۹۹۳، ۳۷۲/۵)

بر حسب روایات به دستور و فرموده پیامبر (ص) هر کسی به احیاء اراضی و اصلاح آن‌ها برای زراعت قدم بر دارد، می‌تواند مالک آن اراضی شود. در واقع این مالکیت از انتفاع است و مالکیت علی الاطلاق و نهایی نیست. این را



می‌توان از حدیث ذیل استنتاج کرد. «من احياء ارضا ميتة فهى له» و «من عمر ارضا ليست لاحد فهو احق بها» (شوکانی، ۱۹۹۳، ۳۶۱/۵)

مالکیت در عصر نبوی، مالکیت عمومی است و نه خصوصی، و این به جهت دیدگاه قرآنی است. تاریخ اسلام گواه و شاهد حقیقی مراحل و سیر تطوری اقطاع نبوده است. با وجودی که خاندان‌های اشرافی و حاکمه از جمله امویان و عباسیان این اراضی را به تصرف خود در آوردند. به عنوان نمونه می‌توان به اراضی صوافی - اختصاص به خاندان‌های حاکمه اسلامی و یا موالی آن‌ها - اشاره کرد. این مخالف سیره نبوی و خلفای راشدین است. مصادره این اراضی و املاک اقطاعی به شکل عمومی و بر حسب نظرگاه‌های سیاسی خاندان‌های حاکمه بود. (احمد صبری السید، ۲۰۰۸، ۱۰۷)

عقد پیمان نامه‌های موقت میان برخی طبقات خرده پا و متوسط در مواجهه با طبقه اشرافی حاکمه و قبیله‌ای به معنای آشتی میان آن‌ها به شمار نمی‌رفت. در راستای همین اقدام، دیدگاه پیامبر (ص) به طور متناوب در تاریخ تکرار شده است. در دوره انقلاب بلشویکی در روسیه و هنگامی ولادیمیر لنین اوضاع اقتصادی شد، سیاست «نپ - NEP» را وضع کرد. نپ در آن دوره حرکتی درمانی در مقابل بورژوازی به شمار می‌رفت. (خوشوی کمال محمد، مقاله - ۲۷ مارس ۲۰۱۶) لنین در دفاع از این سیاست مقالات و سخنرانی‌های بسیاری انجام داد. (لنین، ۱۹۸۶، ۱۵۸-۱۵۹)

منابع

- أحمد بن فضلان (۱۹۶۰). رساله ابن فضلان، تحقیق: سامی الدهان، المجمع العلمي العربي بدمشق، دمشق.
- ابن الكلبي (۲۰۰۹). مثالب العرب، تحقیق محمد حسن الدجیلی، نشر دار الأندلس، بیروت.
- أحمد صبري السيد علي (۲۰۰۸). الجذور الطبقيه لثوره الإمام الحسين، بیروت.
- باتریشیا کروونه (۲۰۰۵). تجاره مکه و ظهور الإسلام، ترجمه: آمال محمد الروبی، المشروع القومي للترجمه، قاهره.
- بازیلی، قسطنطین (۱۹۸۹). سوريا و فلسطين تحت الحكم العثماني، تحقیق: ایرینا سمیلانسکیا، ترجمه: طارق معصرانی، دار التقدم، مسکو.
- بلاذری، أحمد بن یحیی (۱۹۹۶). أنساب الأشراف، تحقیق سهیل ذکار و ریاض الزرکلی، دار الفکر، بیروت.
- پطروشفسکی، ایلیا ولویچ (۱۳۶۳). اسلام در ایران، ترجمه کریم کشاورز، چ ۷، انتشارات پیام، تهران.
- جواد علي (۲۰۱۱). تاریخ العرب قبل الإسلام، شرکه الأمل للطباعه و النشر، قاهره.



- (۱۹۹۳). المفصل في تاريخ العرب قبل الإسلام، نشر جامع، بغداد.
- جزري، عز الدين بن الأثير (۲۰۱۲). الكامل في التاريخ، تحقيق عمر عبدالسلام تدمري، دار الكتاب العربي، بيروت.
- خوشوي كمال محمد (۲۷ مارس ۲۰۱۶). مقاله السياسه الاقتصاديه الجديده في الاتحاد السوفيتي (ما بين الأعوام ۱۹۲۱ - ۱۹۲۴)، birkrdnawa.com.
- فضل الله، محمد حسين (۲۰۰۲). فقه الشريعه، دار الملاك، بيروت.
- فضل الله، محمد حسين (۱۹۸۸). فقه السنه، بي جا، قاهره.
- قصي طارق (۲۰۱۳). العلاقات الإيرانيه السوفيتيه حتى شباط ۱۹۱۷، www.maqalaty.com.
- . داف كروش (۲۰۰۷). البلاشفه و الإسلام، ترجمه: نادية عبدالقادر، revsoc.me.
- سباعي محمد سباعي (۲۰۰۵). مدخل لكتاب الإسلام في إيران للمستشرق بطروشوفسكي، قاهره.
- سعدون محمود الساموك (۲۰۰۳). الاستشراق الروسي دراسه تاريخيه شامله، دار المناهج للنشر و التوزيع، عمان.
- شوكاني، محمد بن علي (۱۹۹۳)، نيل الأوطار شرح منتقى الأخبار، تحقيق عصام الدين الصبابطي، دار الحديث، قاهره.
- حسيني طباطبائي، مصطفى (۱۳۷۵). نقد آثار خاورشناسان، انتشارات چاپبخش، تهران.
- لنين، ولاديمير (۱۹۸۶). بصدد تحويل الزراعه الاشتراكي، ترجمه/ إلياس شاهين، دار التقدم، مسكو.
- مازنداراني، محمد صالح (۲۰۰۰). شرح أصول الكافي، ضبط و تصحيح السيد علي عاشور، دار إحياء التراث، بيروت.
- ماجد الربيعي (۲۰۱۵). حظر الاتجار بالبشر في القانون الدولي: دراسه مقارنه مع التشريعات الوطنيه، مركز الدراسات العربيه للنشر و التوزيع، قاهره.
- مسعود ظاهر (۲۰۱۶). مقاله الإستشراق الروسي و المشرق العربي: من الاهتمام إلى الإهمال، اول آگوست، سايت روسيا و العالم الإسلامي ar.rusisworld.com.
- نراقي، أحمد (۲۰۰۸). مستند الشيعة في أحكام الشريعه، تحقيق مؤسسه أهل البيت لإحياء التراث، بيروت.
- يوسفوس فلافيوس (بي تا). تاريخ يوسيفوس، المكتبه العموميه لسليم إبراهيم صادر، بيروت.

یعقوبی، أحمد بن واضح (۱۸۸۳). تاریخ الیعقوبی، بریل، لیدن.



دانشگاه خوارزمی